



آفریقا

گاهنامه خبری - تحلیلی

سال دوم، نیمه اول اردیبهشت ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۲۶

صاحب امتیاز: مرکز مطالعات آفریقا (دانشگاه تربیت مدرس)

مدیر مسئول: دکتر سیروس احمدی نوحدانی

سردبیر: دکتر میثم میرزائی تبار

مدیر اجرایی: دکتر مجید رسولی

مغرب اسلامی؛ جغرافیای تاریخی و پراکندگی قومی

سر مقاله

سرزمین مغرب در شمال آفریقا از غرب مصر شروع می‌شود و تا سواحل اقیانوس اطلس امتداد می‌یابد. در سراسر شمال مغرب، دریای مدیترانه واقع شده که یکی از بزرگترین دریاهای جهان است و در متون تاریخی و جغرافیایی به «بحر روم» و در متون عربی به «بحرالابيض المتوسط» مشهور است. ویژگی مهم این دریا، محصور بودن میان ۳ قاره است. در شرق آن آسیا، در شمال آن اروپا و در جنوب آن آفریقا قرار دارد. دریای مدیترانه به طور طبیعی بوسیله کشورهای ایتالیا و تونس به ۲ قسمت تقسیم شده است که در اصطلاح اعراب به حوض شرقی و حوض غربی مدیترانه مشهور است.

مغرب اسلامی، امروز شامل ۴ کشور مستقل لیبی، تونس، الجزایر و مراکش و بخش‌هایی از شمال کشورهای موریتانی و مالی می‌شود. در جغرافیای تاریخی اسلام، سرزمین مغرب را به ۳ بخش کلی تقسیم می‌کنند: مغرب ادنی: شامل لیبی و قسمتی از شرق تونس؛ مغرب اوسط: شامل تونس که به آفریقای مشهور است و شرق الجزایر؛ و مغرب اقصی: شامل غرب الجزایر و مراکش.

اما راههای جنوب به شمال راههایی است که سودان غربی و مرکزی را به سواحل مدیترانه وصل می‌کرد و شهرهای مهمی چون مراکش، سِجلماسه و تاهرت در این مسیر قرار داشتند. این راهها بسیار فعال و پرسود بودند و عمده‌ترین کالاهای تجاری که در این راههای جنوبی شمالی معامله می‌شد، ۳ کالای اصلی بود که تجارت آنها درآمد سرشاری داشت: طلا، برده و نمک. طلا ذخیره اصلی خزانه های حکومتی مسلمانان در طول قرن های متمادی را تشکیل می داد و بردگان نیروی انسانی ارزان قیمت برای شهرها و دربارها و مزارع و خاصه نیروهای نظامی به حساب می آمدند. البته کالاهای مصرفی دیگری نیز از شمال به جنوب تجارت می شد که مهمترین آن باتوجه به نیاز مردم مناطق مزبور نمک بود.

سرزمین مغرب از لحاظ جغرافیایی و اقلیمی، جالب و گوناگون است و با پراکندگی حیات انسانی و اقلیمی در آن مواجه هستیم. یک منطقه که شامل نوار شمالی و ساحلی می‌شود دارای آب و هوای معتدل مدیترانه‌ای، باران کافی، خاک حاصلخیز و کشتزارهای وسیع است. دشت تونس و بیشتر شهرهای مهم مغرب در این منطقه آب و هوایی واقع شده است. البته تمام نوار ساحلی این‌گونه نیست و در برخی مناطق محدود، همچون منطقه القبایل، کوهها مشرف به دریا می‌شوند. منطقه دیگر دارای رشته کوههای بلند و آب و هوای سرد کوهستانی است که البته محدود است: سلسله جبال اطلس که در بخش وسیعی از مغرب کشیده شده و در بخش غربی به جبال اوراس مشهور است و نیز رشته کوههای پراکنده دیگر از این جمله‌اند.

مردم این منطقه را تا پیش از ورود اسلام به ۳ گروه و پس از ورود اسلام به حداقل ۴ گروه می‌توان تقسیم کرد:

بیشتر سطح جغرافیایی مغرب را اقلیم خشک و بیابانی تشکیل می‌دهد که بیش از دو سوم آن است. آب و هوای گرم و خشک، باران اندک و خاک غیر حاصلخیز و بیابان‌های منتهی به کویر مهمترین شاخص‌های این اقلیم است. گذران زندگی در این منطقه از طریق دامداری و پرورش شتر است و مردم کوچ‌نشین و عشایر هستند. شهرهایی هم در اینجا وجود دارد مانند سجلماسه و مراکش اما تعدادشان کم است.

۱) بزرگترین گروه جمعیتی در سرزمین مغرب قبایل مهم و متعدد بربر هستند که در سراسر مغرب پراکنده بودند و بیشترین جمعیت سرزمین مغرب را تشکیل می‌دادند. واژه بربر را رومی‌ها به مردم این منطقه اطلاق می‌کردند که ظاهراً معنای غیر رومی و غیرتمدن داشت. اما خود مغربی‌ها از واژه آمازیغ به معنای آزاده برای اقوام بومی این منطقه استفاده می‌کنند. رنگ پوست آنها بین سیاه و سفید و شاید به نوعی قهوه‌ای است.

۲) جمعیت‌های مهاجر سفیدپوست که از روم و سواحل شرقی مدیترانه آمدند. بیشتر در مناطق ساحلی یافت می‌شوند و مهمترین وجه تمایزشان با آمازیغ‌ها، رنگ پوستشان است.

۳) سیاه‌پوستان آفریقایی که از نظر جمعیتی در اقلیت‌اند.

۴) اما گروه چهارمی که عمدتاً پس از ورود اسلام وارد این منطقه شدند، اعراب مهاجر بودند. بعدها گروه ترکان نیز به این گروه چهارم اضافه شدند.

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم سرزمین مغرب که باعث اهمیت آن در همه ادوار تاریخ شده است، وجود راه‌های متعدد بازرگانی هم در خشکی و هم در دریا است. راه‌های تجاری غربی- شرقی و شمالی- جنوبی که هزاران سال فعال بوده‌اند و نقاط عطف

۳) قبیله زَناتَه از بُتر که زیستگاه آنها عمدتاً بیابانهای لیبی بود و بعدها تا غرب الجزایر توسعه یافت.

۴) مجموعه قبایل بزرگ صُنْهَاجَه (جمع مکسر آن صَنَاهِجَه) از برانس که زیستگاه آنها در مغرب اقصی بود از جنوب الجزایر تا شمال موریتانی کنونی و جبال اطلس میانی، از مهمترین زیرشاخه های آن قبیله لَمْتَوْنَه بود.

۵) مجموعه قبایل مَصْمُودَه (جمع مکسر آن مَصَامِدَه) از برانس که زیستگاه آنان جبال غرب مراکش بوده است.

۶) قبیله نَفُوسَه از بُتر که زیستگاه شان کوهستان های لیبی بود.

شناخت دقیق این طوایف و قبایل و سیر تحول زیستگاه و نقش آفرینی تاریخی آنها برای فهم بخشی از مناسبات کنونی قدرت و جامعه در مغرب همچنان ضروری است.

قبایل امازیغ یا بربر که جمعیت بومی مغرب را تشکیل می دهند، بر اساس نیای مشترک، نوع و شیوه زندگی و منطقه سکونت به دو شاخه بزرگ بُتر و برانس تقسیم می شوند. مشهور است که بُترها بیشتر زندگی چادرنشینی در بیابان داشته اند و برانس بیشتر اقوام کوه نشین و یکجانشین بوده اند اما این توصیف جامعی نیست. محل سکونت اولیه بُترها از جنوب نیل تا جلگه تونس بوده است که بعدها در سراسر مغرب حتی تا مراکش پراکنده می شوند؛ در حالی که قلمرو قبایل برانس از کوه های اوراس در الجزایر کنونی تا جبال غرب مراکش را شامل می شد. بربرها به قبایل متعددی تقسیم می شوند اما مهمترین آنها از حیث نقش آفرینی در تحولات تاریخ مغرب عبارتند از:

۱) قبیله اوریبه از برانس که زیستگاه آن از شمال تاهرت تا وهران بود.

۲) قبیله کُتامَه از برانس که زیستگاه آن از فُسْنطین تا بجایه بود.

✚ **دکتر عباس برومند اعلم** - مدیر گروه مطالعات فرهنگی مرکز مطالعات آفریقا

تبریک سالروز استقلال تانزانیا

پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری - دکتر حسن

روحانی در پیامی فرارسیدن سالروز استقلال جمهوری متحده تانزانیا به دولت و مردم این کشور تبریک گفت. متن پیام رئیس جمهور به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

سرکار خانم سامیا صولوحو حسن

رئیس جمهوری متحده تانزانیا

فرارسیدن سالروز استقلال جمهوری متحده تانزانیا را به سرکارعالی و مردم کشورتان صمیمانه تبریک می‌گویم. امیدوارم در پرتو مساعی مقامات عالی دو کشور و همچنین روابط دیرینه و متکی بر احترام متقابل، بیش از پیش شاهد توسعه و تحکیم مناسبات و همکاری‌های فیما بین در تمامی زمینه‌ها و در راستای منافع دو ملت باشیم. از خداوند متعال، سلامتی و موفقیت سرکارعالی و نیکبختی و شادکامی مردم جمهوری متحده تانزانیا را مسألت دارم.

حسن روحانی - رئیس جمهوری اسلامی ایران

کاهش قابل توجه صادرات به آفریقای جنوبی

نود اقتصادی - در دولت‌های یازدهم و دوازدهم صادرات غیرنفتی ایران به آفریقای جنوبی کاهش ۵۰ درصدی داشته است که سهم کالاهای کشورمان از این بازار فقط ۰/۰۴ درصد است. صادرات غیرنفتی ایران به کشور آفریقای جنوبی تا سال ۱۳۹۱ به ۷۸ میلیون دلار رسیده بود که این میزان در دولت‌های یازدهم و دوازدهم تا ۲۳ میلیون دلار نیز کاهش یافت. در سال ۱۳۹۸ با جهش قابل توجه، صادرات ایران به این کشور به رقم ۹۰ میلیون دلار رسید اما باز هم در سال ۱۳۹۹ این میزان با کاهش ۵۸ درصدی به ۳۸ میلیون دلار رسید. به عبارتی در دولت‌های یازدهم و دوازدهم صادرات غیرنفتی ایران به آفریقای جنوبی کاهش ۵۰ درصدی داشته است. قابل ذکر است میزان واردات آفریقای جنوبی در سال گذشته حدود ۸۸ میلیارد دلار بوده که با احتساب ۳۸ میلیون دلار صادرات ایران، سهم کالاهای کشورمان از این بازار فقط ۰/۰۴ درصد است.

عزم قطر برای سرمایه‌گذاری در نیجریه

Africa Business networking - جفری اونیاما، وزیر خارجه نیجریه از گفتگو با قطر برای سرمایه‌گذاری ۵ میلیارد دلاری این کشور در نیجریه خبر داد. وی با اشاره به سفر سال ۲۰۱۶ رئیس‌جمهور نیجریه به قطر و سفر سال ۲۰۱۹ امیر قطر به ابوجا تأکید کرد، سران دو کشور بر گسترش روابط همه جانبه بویژه در حوزه اقتصاد، زیرساخت و انرژی تأکید و در مورد مسائل مهم بین‌المللی اشتراک نظر دارند.

گزارش یک مقام مسئول:

آخرین وضعیت صادرات کالاهای ایرانی به آفریقا



فرزاد پیلتن، مدیرکل دفتر عربی آفریقایی سازمان توسعه تجارت در مورد وضعیت صادرات به آفریقا گفت: بر اساس آمارهای گمرک جمهوری اسلامی ایران صادرات محصولات ایرانی به آفریقا در سال ۱۳۹۹ حدود ۲ میلیون و ۳۸۹ هزار تن معادل ۵۷۸ میلیون دلار بوده است که غنا با ۱۷۸ میلیون دلار، الجزایر با ۱۲۳ میلیون دلار، کنیا با ۵۰ میلیون دلار، آفریقای جنوبی با ۳۷ میلیون دلار، سومالی با ۲۶ میلیون دلار، تانزانیا با حدود ۲۴ میلیون دلار، کامرون با ۲۲ میلیون دلار، موزامبیک با ۱۹ میلیون دلار، نیجریه با ۱۷ میلیون دلار و ساحل عاج با ۱۱ میلیون دلار به ترتیب در رتبه‌های اول تا دهم طرف‌های صادراتی ایران به آفریقا قرار داشته‌اند. پیلتن با مقایسه صادرات به آفریقا در سال ۹۹ با سال ۹۸ افزود: این آمار در مقایسه با سال ۱۳۹۸ از نظر ارزشی ۱۴ درصد و از نظر وزنی ۸ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

مدیرکل دفتر عربی آفریقایی سازمان توسعه تجارت گفت: بررسی شرایط صادرات ایران در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که با وجود تشدید تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا در سال ۱۳۹۹ و همچنین شیوع کرونا و تعطیلی نسبی رویدادها و ارتباطات تجاری در دنیا، گرچه تجارت ایران و آفریقا نسبت به دوره مشابه سال قبل کاهش داشته اما ایران توانسته است حضور هرچند کم‌رنگ خود در بازارهای آفریقایی را حفظ کند. وی درباره علل حضور کم‌رنگ ایران در بازارهای آفریقایی گفت: به طور کلی در تحلیل حضور کم‌رنگ محصولات صادراتی ایران در آفریقا می‌توان به برخی مشکلات و موانع از سوی دو طرف اشاره کرد. پیلتن با اشاره به منشاء این مشکلات افزود: از ناحیه طرف ایرانی عدم برقراری ارتباط نزدیک و شناخت از بازارهای آفریقایی توسط بخش‌های خصوصی، عدم وجود برنامه و امکان تامین هزینه‌های بالای بازاریابی، عدم حضور مستقیم در بازارهای آفریقایی، عدم وجود رویکردهای بلندمدت بخش‌های دولتی و خصوصی در مورد حضور در بازار کشورهای آفریقایی و فراهم نبودن زیرساخت‌های مناسب مانند روابط بانکی، حمل و نقلی و... جزو مهمترین مشکلات و موانع محسوب می‌شوند.

وی گفت: از جانب کشورهای آفریقایی نیز می‌توان به وجود برخی مشکلات مانند بی‌ثباتی‌های اقتصادی و سیاسی، عدم استقرار ترتیبات اداری و امنیتی مناسب برای فعالیت‌های بلندمدت اقتصادی و تجاری، عدم توانایی مالی مناسب بخش‌های خصوصی و دولت‌های آفریقایی و... اشاره کرد.

پیلتن در ادامه افزود: با این وجود، سازمان توسعه تجارت ایران در تلاش است با برنامه‌ریزی‌های یک و چند ساله و با استفاده از ظرفیت‌های کمیسیون اقتصادی ستاد آفریقا و همچنین سفارتخانه‌های ایران در کشورهای آفریقایی و دیگر نهادهای دست اندرکار، ضمن ایجاد هماهنگی در سطح داخلی و پیگیری ایجاد زیرساخت‌های تجاری با قاره آفریقا مانند توسعه خطوط حمل و نقلی و برقراری روابط بانکی، نسبت به معرفی توانمندی‌های صادراتی کشور به تجار آفریقایی اقدام کند.

وی گفت: این اقدامات از طریق اطلاع‌رسانی فرصت‌ها و زمینه‌های صادرات به کشورهای آفریقایی، تشویق و تبادل هیئت‌های تجاری، توسعه همکاری‌های نمایشگاهی، حمایت از تأسیس مراکز تجاری، پیگیری تشکیل شوراهای مشترک بازرگانی و برقراری ارتباط مستقیم بخش‌های خصوصی در ایران با این کشورها خواهد بود.

منبع: خبرگزاری کار ایران (ایلنا)

گزارش خبری؛

اوضاع چاد پس از قتل رئیس جمهور



ادریس دبی پس از ۳۰ سال تکیه زدن بر صندلی ریاست جمهوری چاد، هنگام بازدید از واحدهای ارتش که مشغول نبرد با شورشیان شمال این کشور بودند، کشته شد. سخنگوی ارتش چاد اعلام کرد: شورای انتقالی که در آن افسران بلندپایه ارتش حضور دارند ژنرال محمد ادریس دبی پسر رئیس جمهور مقتول را به عنوان رئیس جمهور موقت کشور انتخاب کردند. این انتخاب بر اساس منشور شورای انتقالی صورت گرفته است.

ادریس دبی ۶۸ ساله به دنبال شورش سال ۱۹۹۰ به قدرت رسید و یکی از رؤسای جمهور آفریقایی است که بیشتر از دیگران بر صندلی قدرت تکیه زده و توانسته است از چند کودتا و جنبش شورشی نجات پیدا کند. کشته شدن دبی یک روز پس از آن صورت گرفت که او با کسب ۷۹ درصد آرای مثبت برای ششمین بار رئیس جمهور چاد شد و این در حالی است که مخالفان او از طولانی شدن ریاست جمهوری دبی به شدت ناراضی بودند و از شیوه سرکوبگری او به شدت شکایت داشتند. به همین دلیل، انتخابات را تحریم کرده بودند.

دبی در سال ۲۰۱۸ قانون اساسی چاد را تغییر داد تا امکان حضور در هرم قدرت تا سال ۲۰۳۳ برایش فراهم شود. او در سال ۲۰۲۰ به سمت سرلشکری دست یافت و یک هفته قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری گفت: مطمئن هستم، در انتخابات پیروز می‌شوم، همانطوری که در ۳۰ سال گذشته پیروز بودم.

مردم چاد از مدیریت او بر ثروت این کشور از جمله منابع نفتی بسیار ناراضی بودند و این نارضایتی به طور فزاینده‌ای گسترش می‌یافت اما دبی به شدت با مخالفان برخورد می‌کرد. با این وجود، در انتخابات ریاست جمهوری اعلام شد، ادریس دبی ۷۹ درصد آراء را به دست آورده است.

دبی یکی از متحدان کشورهای غربی در مبارزه با گروه‌های تروریستی مثل بوکو حرام در حوزه دریاچه چاد و سایر گروه‌های وابسته به القاعده و داعش در منطقه ساحل آفریقا (جنوب صحرای بزرگ) بود. به همین دلیل، فرانسه که حضور نظامی گسترده‌ای در این منطقه دارد، آنجاما (پایتخت چاد) را مرکز عملیات خود علیه گروه‌های تروریستی انتخاب کرد. چاد در بهمن ماه گذشته اعلام کرد که یک هزار و ۲۰۰ نظامی این کشور در کنار ۵ هزار و ۱۰۰ نفر از نظامیان فرانسوی مشغول نبرد با گروه‌های تروریستی هستند.

یکی از کارشناسان تحولات چاد با اشاره به تشکیل شورای انتقالی پس از کشته شدن ادریس دبی معتقد است، تشکیل این شورا و انتخاب فرزند رئیس جمهور مقتول به ریاست آن نشان می‌دهد که نظام حاکم بر چاد به حیات خود ادامه خواهد داد. نویسنده کتاب «تاریخ دخالت‌های نظامی فرانسه در چاد» بر این باور است که با تشکیل شورای انتقالی از تلاش برای هرگونه کودتا توسط تشکیلات نظامی و امنیتی جلوگیری شد و شرکای غربی چاد مانند فرانسه و آمریکا می‌توانند در مبارزه با گروه‌های تروریستی در ساحل آفریقا بر چاد همچنان اعتماد داشته باشند.

از طرفی، تجمع شورشیان چادی پشت مرزهای لیبی و حمله ناگهانی آنان به یکی از پایگاه‌های ارتش چاد و پیشروی چند صد کیلومتری به سمت آنجاما نگرانی شدید غرب از جمله آمریکا را برانگیخت. وزارت خارجه آمریکا از دیپلمات‌های خود خواست خاک چاد را ترک کنند و فقط دیپلمات‌هایی که حضورشان در سفارتخانه ضروری است، در این سفارتخانه باقی بمانند. این وزارتخانه از شهروندان آمریکایی خواست هر چه سریع‌تر چاد را ترک و به آمریکا باز گردند.

معرفی فرستاده ویژه آمریکا در شاخ آفریقا



Reuters - آنتونی بلینکن، وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرده است که جفری فلتمن، دیپلمات با سابقه این کشور به عنوان نماینده ویژه ایالات متحده آمریکا در شاخ آفریقا انتخاب شده است. فلتمن هدایت تلاش‌های بین‌المللی برای حل و فصل تنش‌های موجود بین اتیوپی و سودان بر سر سد راهبردی رنسانس را بر عهده خواهد داشت. درگیری‌های در تیگرای بین شبه نظامیان و نیروهای دولتی در طول مرزهای اتیوپی و اریتره نیز تاکنون موجب مرگ هزاران نفر و بی خانمان شدن صدها هزار نفر دیگر شده است. فلتمن پس از خدمت در پست‌های ارشد وزارت خارجه آمریکا، طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ رئیس امور سیاسی سازمان ملل بوده است. فلتمن در سال ۲۰۱۷ به عنوان عالی‌ترین مقام آمریکایی که از سال ۲۰۱۱ به کره شمالی سفر کرده بود، به این کشور سفر کرد و این سفر ۴ روزه را مهمترین ماموریت دوران کاری و حرفه‌ای اش توصیف کرد.

مخالفت با استفاده از واکسن کرونا تاریخ گذشته

RT Arabic - مالوای اعلام کرد که هزاران دوز واکسن ضد کرونای تاریخ مصرف گذشته را به رغم درخواست سازمان جهانی بهداشت و مرکز مبارزه با بیماری در آفریقا برای نگه داشتن آنها، نابود خواهد کرد. سازمان جهانی بهداشت و مرکز کنترل بیماری در آفریقا در روزهای اخیر از کشورهای آفریقایی خواست تا واکسن‌های ضد کرونای تاریخ مصرف گذشته را نابود نکنند زیرا «هنوز برای استفاده امن هستند». با وجود این، دولت مالوای تأکید کرد که کار از کار گذشته است و این درخواست ترتیب اثر داده نخواهد شد. مسئولان این کشور آفریقایی گفتند که در عمل ۱۶ هزار و ۴۴۰ دوز واکسن «آسترازنکا» که تاریخ مصرف گذشته است از انبار سرد خارج شده است. چارلز موانامبو، وزیر بهداشت مالوای گفت: هر چیزی باید تاریخ مصرف داشته باشد که بعد از آن نمی‌توان آن را مورد استفاده قرار داد. پیش از این مالوای و سودانی جنوبی اعلام کردند که برنامه‌ای برای نابودی نزدیک به ۷۰ هزار دوز واکسن تاریخ مصرف گذشته آسترازنکا دارند.

کارزار علیه وام بین‌المللی در کنیا

بورونیوز - کاربران کنیایی با ارسال مداوم شعار «وام دادن به ما را متوقف کنید» در بخش نظرات، نشست زنده فیس‌بوکی کریستالینا گئورگیوا، رئیس صندوق بین‌المللی پول را ناتمام گذاشتند. رئیس صندوق بین‌المللی پول ۲۲ آوریل در صفحه فیس‌بوک این نهاد میزبان نشستی با موضوع تغییرات اقلیمی بود، اما با شدت گرفتن ارسال پیام‌های کاربران کنیایی در بخش نظرات این رویداد برخط، خانم گئورگیوا ناگزیر شد تا تنها ۲۳ دقیقه پس از آغاز نشست، آن را پایان دهد. مردم کنیا به عنوان یکی از بدهکارترین کشورهای آفریقا، در آستانه اعطای وام ۲.۳۴ میلیارد دلاری صندوق بین‌المللی پول به این کشور با به راه انداختن کارزاری تلاش دارند تا مانع از دریافت این وام شوند. دولت فعلی کنیا در حالی سال ۲۰۱۳ قدرت را به دست گرفت که بدهی عمومی دولت ۱۶ میلیارد دلار بود اما اکنون این بدهی به ۷۰ میلیارد دلار رسیده است. این در حالی است که منتقدان دولت به این باورند که سرعت توسعه زیرساخت‌های این کشور توجیه‌کننده رشد ۴ برابر بدهی‌ها نیست و این رشد بیشتر به دلیل افزایش فساد در ساختار دولت رخ داده است.

فراخوان اعزام تور گردشگری به ماداگاسکار

کنسولگری جمهوری ماداگاسکار در ایران - با فراخوان انجام‌شده برای برگزاری تورهای انحصاری ماداگاسکار در ۲۰۲۰ و عقد قرارداد مشترک با آژانس‌های ماداگاسکاری، برای برگزاری تورهای اختصاصی گردشگری به ماداگاسکار و شهرهای آنتاناناریوو، نوسی‌به و دیگوسوآرز و بازدید از پارک تمساح و جنگل میمون‌های "لمور" و درخت‌های عظیم‌الجثه بائو باب در تابستان ۱۴۰۰ اطلاع‌رسانی و ثبت نام صورت خواهد گرفت. آژانس‌های متقاضی می‌توانند با ارسال مدارک ذیل از این فرصت استفاده کنند: درخواست رسمی و تصویر مجوزهای آژانس شامل فروش بلیط و برگزاری تور، توانایی مالی در ارائه ضمانت، دارا بودن کاتالوگ چندزبانی، ارسال قرارداد به زبان‌های فارسی و فرانسه برای آژانس مجری در ماداگاسکار و سایر مدارک لازم.

کنسولگری ماداگاسکار در تهران با نظارت بر قرارداد و نحوه انجام پروژه، تورهایی جذاب و به صرفه را با رعایت استانداردهای لازم دنبال خواهد کرد. اولویت با تقاضای معتبری است که درخواست و مدارک را تحویل دفتر کنسولگری در تهران نمایند.

کانال ارتباطی: +98 902 484 0059

@MadagascarConsulatTehran

وزارت خارجه آمریکا در واکنش به کشته شدن رئیس‌جمهور چاد اعلام کرد: واشنگتن اقدامات خشونت‌آمیز در چاد را محکوم و از انتقال مسالمت‌آمیز قدرت طبق قانون اساسی این کشور حمایت می‌کند. مرگ دبی با واکنش رئیس‌جمهور فرانسه نیز همراه شد، امانوئل ماکرون در بیانیه‌ای اعلام کرد: فرانسه دوست شجاعی را از دست داد... پاریس خود را ملزم به حمایت از ثبات و وحدت ارضی چاد می‌داند. سودان در واکنش به کشته شدن ادريس دبی اعلام کرد: او نقش فعالی در تحولات آفریقا ایفا کرد و در راستای تقویت روابط سودان و چاد گام برداشت. خارطوم از تمام فعالان داخلی چاد خواست به درگیری‌های مسلحانه پایان دهند و در مسیر حفظ ثبات و آرامش کشور خود قدم بردارند. وزیر خارجه ترکیه در صفحه شخصی خود در فضای مجازی «تویتر» نوشت: آنکارا حملات علیه دولت آنجانما را محکوم می‌کند و درگذشت رئیس‌جمهور چاد را به این ملت تسلیت می‌گوید.

وزارت خارجه الجزایر در بیانیه‌ای اعلام کرد که تحولات چاد را به دقت زیر نظر دارد و از شهروندان این کشور می‌خواهد با گفت‌وگو این مشکل (کشته شدن دبی) را پشت سر بگذارند و ثبات و امنیت را حفظ کنند. پارلمان لیبی در بیانیه‌ای تأکید کرد؛ نمایندگان تحولات چاد را زیر نظر دارند چون تحولات این کشور می‌تواند باعث بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه شود، لذا از نیروهای مسلح می‌خواهیم با انجام اقدامات فوری امنیت مرزهای جنوبی کشور را تامین کند.

با توجه به بافت قبیله‌ای که بر چاد حاکم است و اختلافات شدید قومی و قبیله‌ای که در این کشور وجود دارد، در کنار دسترسی آسان چادی‌ها به سلاح، این کشور در پرتگاه درگیری‌ها داخلی قرار گرفته است. دور کردن چاد از چنین پرتگاهی به درایت حاکمان آنجانما بستگی دارد. به این معنا که آنان طی این روزها بتوانند با احزاب سیاسی، سران قبایل و مخالفان رایزنی و آنها را متقاعد کنند، با شورای انتقالی همراهی داشته باشند. مسلم است که این شورا به حمایت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نیازمند است و به نظر می‌رسد، کشورهای غربی از جمله فرانسه که بیشترین نفوذ را در ساحل آفریقا دارد، از شورای انتقالی چاد حمایت خواهد کرد.

منبع: **خبرگزاری تسنیم**

دیدگاه افکار عمومی آفریقا درباره کشورهای خارجی فعال در این قاره

هوسا تی‌وی - نتایج نظرسنجی شورای سرمایه‌گذاران فرانسوی در آفریقا با نام «Africleads 2021» نشان می‌دهد که رویکرد مثبت مردم این قاره نسبت به ترکیه در مقایسه با سال گذشته دو برابر بهبود یافته و به ۱۵ درصد رسیده است. افراد مختلفی از ۱۲ کشور آفریقایی در این نظرسنجی شرکت کرده‌اند. جایگاه فرانسه در نزد افکار عمومی آفریقا در سال‌های اخیر با رشد منفی روبرو بوده و در نظرسنجی صورت گرفته، ۱۷ درصد از پاسخ‌دهندگان نظر مثبتی نسبت به این کشور داشته‌اند و این کشور در جایگاه هفتم کشورهای محبوب قرار گرفته است. فرانسه در سال ۲۰۱۹ دارای جایگاه پنجم و در سال گذشته میلادی در جایگاه ششم بوده است. در نظرسنجی اخیر، دیدگاه مردم آفریقا نسبت به ترکیه با رشد مثبت همراه بوده است. ترکیه در جایگاه هشتم کشورهای دارای بیشترین محبوبیت در آفریقا قرار دارد. سرمایه‌گذاری‌های ترکیه در آفریقا و افزایش مسیرهای پروازی ترکیش ایرلاینز به نقاط مختلف این قاره در بهبود جایگاه آن در افکار عمومی آفریقا موثر بوده است. آمریکا با کسب نظر مثبت ۴۳ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی درای جایگاه نخست است. آلمان با نظر مثبت ۳۷ درصد، کانادا ۳۴ درصد، انگلستان ۲۸ درصد، چین با ۲۲ درصد و ژاپن با ۱۹ درصد در جایگاه‌های بعدی کشورهای محبوب در میان شرکت‌کنندگان در نظرسنجی بوده‌اند.

ترکیه همچنین با کسب نظر مثبت ۶۶ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی در جایگاه ششم «شرکای مفید» قرار گرفته است. چین، آمریکا، کانادا، آلمان و ژاپن در رتبه‌های برتر این بخش از نظرسنجی قرار داشته‌اند. فرانسه نیز با ۵۷ درصد نظر مثبت شرکت‌کنندگان نهمین شریک مفید برای آفریقا معرفی شده است. از سوی دیگر آفریقایی جنوبی دارای بهترین جایگاه در میان کشورهای آفریقایی است. مراکش، غنا و رواندا نیز در رده‌های بعدی قرار دارند.

سد النهضه و تأثیرات سیاسی و اقلیمی آن

ساخت سد، به ویژه بر رودخانه‌هایی که در مسیر خود از کشورهای دیگری نیز عبور می‌کنند، همواره محل نزاع بوده است. چرا که کشورهای پایین دست را با بحران آب و تغییرات محیط زیستی و اقلیمی و جمعیتی مواجه می‌کند. رود نیل با حدود ۶۸۰۰ کیلومتر به عنوان طولانی‌ترین رود دنیا شناخته می‌شود. این رود از پیوستن دو رود نیل آبی و سفید، حوزه‌های از کشورهای اوگاندا، سودان و مصر را تحت پوشش قرار داده است.

بیش از ۹۰ درصد مردم مصر در حاشیه رود نیل زندگی می‌کنند و این ویژگی خاصی در وضعیت اقلیمی و جمعیتی مصر است. زندگی در مناطق دیگر مصر که با این رود فاصله دارند ممکن نیست و یا لااقل تاکنون زیرساخت‌های کافی آن فراهم نشده است.

تنها سد مهم بر روی نیل، سد آسوان یا سدالعالی است که ساخت آن توسط جمال عبدالناصر در سال ۱۹۶۰ در جنوب مصر آغاز و در سال ۱۹۷۱ افتتاح شد. در ساخت این سد، بسیاری از مناطق کشاورزی حاشیه آن از بین رفت. آثار باستانی زیادی نیز در این سد به زیر آب می‌رفتند که با همکاری سازمان‌های بین‌المللی به مکان‌های دیگری منتقل شدند. دریاچه این سد که به نام دریاچه ناصر نامگذاری شده؛ به وسعت پنج هزار کیلومتر مربع و درازای ۵۰۰ کیلومتر است که بخشی از آن در خاک سودان قرار دارد.

سد النهضه، که به نام‌های رنسانس و یا هزاره نیز نامیده می‌شود؛ در شمال شرق اتیوپی و در فاصله ۲۰ تا ۴۰ کیلومتری مرز سودان بر روی رود نیل آبی در حال احداث است. این سد در سال ۲۰۲۰ توسط هیات وزیران اتیوپی به نام "سد بزرگ رنسانس اتیوپی" نام‌گذاری شد.

تاسیس سد النهضه در اتیوپی بدنبال تصمیم دفتر اصلاحات ارضی آمریکا در سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۴ بود که احداث چهار سد را بر روی رود نیل را مکان‌یابی کرده است. ادعای مصر آن است که در این تصمیم، مفاد

قراردادهای امضا شده در سال‌های ۱۹۰۲، ۱۹۰۶ و ۱۹۲۹ که بین کشورهای حوزه رود نیل و از جمله انگلیس به عنوان قیم برخی کشورهای حوزه رود نیل امضا شد؛ رعایت نشده است.

سد النهضه اتیوپی به منظور تولید برق احداث می‌شود و بزرگ‌ترین سد آفریقا و هفتمین سد دنیا خواهد بود که قرار است نزدیک به هفت گیگاوات برق تولید کند. سد رنسانس اتیوپی برای آبیگری بین ۵ تا ۱۵ سال وقت نیاز دارد. این موضوع چالش برانگیزترین اعتراض مصری‌ها به بنای این سد است. گرچه اتیوپی‌ها به طور طبیعی و برای کم کردن حساسیت طرف مصری، در فصل پرباران هرسال آبیگری این سد را اجرا خواهند کرد؛ اما در هر حال کاهش ورودی آب نیل یک تهدید جدی علیه این کشور خواهد بود.

یکی از وجوه سیاسی ساخت این سد، شایعاتی است که درباره حضور شرکت‌های رژیم صهیونیستی در ساخت آن در رسانه‌های مصری منتشر می‌شود. افکار عمومی مصر درباره مشارکت صهیونیست‌ها در ساخت این سد به شدت حساس می‌باشد. اینگونه شایعات به جامعه مصر القا می‌کند که تصمیم ساخت این سد، چه آنجایی که آمریکایی‌ها بنای این سد را پیشنهاد کرده بودند و چه دخالت صهیونیست‌ها در ساخت آن، تصمیم استراتژیک آمریکایی-صهیونیستی علیه تمدن و قدرت مصر است.

سودان نیز با قرارگیری در پایین‌دست سد، این مزیت را دارد که اگر کاهشی در آب رود نیل رخ دهد، فقط متوجه قسمت‌های شرق و شمال (مسیر رود نیل آبی و نیل اصلی) این کشور خواهد شد. بنای این سد تأثیر مستقیمی در جنوب و غرب سودان نخواهد گذاشت.

اما سودان با مشکل دیگری نیز مواجه است. با تشکیل سودان جنوبی که در سال ۲۰۱۱ از سودان تجزیه شده، رود نیل سفید از این کشور جدید گذشته و وارد سودان می‌شود. با توجه به

منابع نفتی فراوان سودان جنوبی و نیز حمایت غربی‌ها از این کشور، دور از ذهن نیست که سودان جنوبی نیز بعد از طی دوره اولیه استقلال و کسب درآمدهای هنگفت نفتی، در آینده‌ای نه چندان دور به ساخت سد بر روی نیل سفید اقدام کند.

مصر در طول سالیان حکومت مبارک بسیار ضعیف شده است. این کشور در طول چهل سال اخیر بسیاری از امکانات نرم و سخت خود را از دست داده است. انقلاب بهمن ۱۳۸۹ (ژانویه ۲۰۱۱) نیز که می‌توانست باعث بازگشت مصر به عنوان کشور برتر عربی و آفریقایی شود، شکست خورد. با این حال در دوره مبارک تهدیداتی از سوی مصری‌ها وجود داشت که اصل ساخت این سد را نشانه گرفته بود. ضمن آنکه گاه از سوی رسانه‌ها یا شخصیت‌های مصری نیز پیشنهاد می‌شد که اگر در ساخت این سد منافع آبی مصر لحاظ نشد و یا تضمین‌های کافی به این کشور داده نشود؛ مصر از گزینه نظامی نیز استفاده کند.

عبدالناصر سلامه که در دوران انقلاب مصر سردبیر روزنامه الاهرام بود، گفته است از مبارک شنیده بود که تصمیم قطعی داشته است در صورت شروع بنای این سد و برگزاری مراسم کلنگ‌زنی آن، دستور دهد آن را بمباران کنند. در اجرای این تصمیم توسط مبارک تردید وجود دارد، زیرا با وجود همه گفته‌های مقامات اتیوپی پیرامون بنای این سد، در زمان مبارک هیچ اقدام عملی برای منصرف کردن اتیوپی از بنای این سد صورت نگرفت.

اتیوپی در اوج انقلاب مصر و همزمان با سقوط مبارک اعلام کرد که بنای این سد را شروع کرده است. ژنرال سیسی، رییس جمهور فعلی مصر معتقد است که انقلاب ۲۰۱۱ مصر باعث شد اتیوپی از غفلت داخلی ناشی از این انقلاب سوء استفاده و بنای سد را شروع کند. البته سیسی که این انقلاب را قبول ندارد، شروع احداث این سد را بدیمی انقلاب می‌داند. ولی واقعیت این است که دولت عمیق مصر که

ابزارهای ارتش و دستگاه امنیتی را در اختیار خود داشت، می‌توانست در زمان شروع عملیات ساخت این سد به شکل قاطعانه‌تری با آن برخورد کند. به ویژه آنکه ژنرال سیسی وزیر دفاع دولت محمد مرسى بود.

تقریباً دو سال بعد از اعلام شروع بنای این سد و در زمان ریاست‌جمهوری محمد مرسى، وی جلسه‌ای با حضور همه نخبگان مصری و نظامیان برای بررسی موضوع تشکیل داد. در جلسه مطالبی گفته شد که بدون آنکه حاضران بدانند، بطور زنده از یکی از شبکه‌های مصری پخش شد. مطالب رد و بدل شده در جلسه، اعم از پیشنهاد بمباران سد و شوخ‌طبعی‌های حاضران تا مدت‌ها سوژه طنزی برای اثبات بی‌کفایتی مرسى در حل این بحران بود.

مصر کنونی قدرت بمباران سد و تحمل تبعات ناشی از آن را ندارد. به ویژه وضعیت فعلی که حکومت سیسی، توانایی‌های هرچند اندک قبل از انقلاب مصر را نیز ندارد. اما از آنجا که نیل برای مصری‌ها همه چیز تلقی می‌شود و بدون آن، مصری وجود ندارد؛ آنها از هر تهدیدی در این باره کوتاهی نمی‌کنند.

هر زمان تنش بین ایتوبی و مصر بالا گرفته است، راه حل نظامی به عنوان یکی از راه‌های حق اعتراض مصر در رسانه‌ها مطرح شده است. این اتفاق بارها در زمان مبارک نیز رخ

داده بود و روشی برای اثبات خشمگینی مصر از احداث این سد است. اما آیا مصر که خود یک سد بزرگ بر رود نیل احداث کرده، می‌تواند سد کشور دیگری را هرچند در زمان شروع ساخت آن باشد، مورد هدف قرار دهد و از این موضوع نگرانی نداشته باشد که در صورت هدف قرار گرفتن سد آسوان، چه فاجعه‌ای در انتظار کشورش خواهد بود؟ مصر می‌داند از این منظر، در کاخ شیشه‌ای نشسته است و نمی‌تواند به دیگران سنگ‌اندازی کند. مصر حتی اگر زمانی قدرت خود را بازیابد و بخواهد این سد را از طریق حمله نظامی تخریب کند، تبعات سرزمینی آن بگونه‌ای خواهد بود که سه کشور ایتوبی، مصر و سودان از اینکار خسارت جدی خواهند دید. ضمن آنکه ایتوبی نیز تمام قد در برابر این اقدام خواهد ایستاد و جنگ و درگیری به کشورهای همسایه سرایت خواهد کرد.

حداکثر چیزی که سیسی در سال ۲۰۲۱ می‌گوید آن است که ایتوبی باید در بنای این سد سهمیه آب مصر را در نظر بگیرد. بدون شک بعد از ساخت این سد و اتمام آبیگری آن، فرصت مذاکراتی مصر ضعیف شده و ایتوبی در موضعی برتر خواهد نشست.

واضح است که مصر هم‌اکنون مخالفت با اصل ساخت این سد را کنار گذاشته و فشار خود را

بیشتر بر نحوه آبیگری آن و سهمیه آب خود متمرکز کرده است. برای اینکار پیشنهادهای برای مذاکره بین چهار کشور داده شده، اما همه این جلسات بدون فایده بوده است.

از روند مذاکرات معلوم است که این کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که گفتگوهای آنان به نتیجه منتهی نخواهد شد و در پی کشورهای خارجی به عنوان میانجی خارجی هستند. ورود آمریکا و روسیه به مذاکرات، احاله موضوع به شورای امنیت، ورود اتحادیه‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا (بیشتر به دلیل ایتالیایی بودن شرکت سازنده سد)، اتحادیه عرب و اتحادیه آفریقا به موضوع (که پیشنهاد سودان بود)، مورد موافقت ایتوبی قرار نگرفته است.

آنچه پیش‌بینی می‌شود، آن است که ساخت این سد و آبیگری آن بدون توجه به مخالفت کشورهای دیگر ادامه خواهد یافت و این موضوع در دهه‌های آینده به عنوان یکی دیگر از مولفه‌های واگرایی در کشورهای حوزه رود نیل به مشکلات این قاره اضافه خواهد شد. ضعف بیشتر مصر در قاره آفریقا و کشورهای عربی نیز پیامد منطقی آن خواهد بود.

نویسنده: **مجتبی امانی** - پایگاه مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی

نگاه آمریکا به آفریقا در صد روز نخست ریاست جمهوری بایدن

بیستم ژانویه جو بایدن به عنوان چهل و ششمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا وارد کاخ سفید شد. همزمان، چشم اندازهایی درباره سیاست خارجی وی به خصوص در قبال آفریقا مطرح شد. در یادداشت پیش رو سیاست بایدن بعد از پایان ۱۰۰ روز از ریاست جمهوری وی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

آفریقا، ثروتمند فقیر

برخلاف تصور برخی‌ها آفریقا قاره غنی و ثروتمندی است. منابع آهن، قلع، روی، سرب، زغال سنگ، سنگ‌های قیمتی و نیکل در آفریقا به وفور یافت می‌شود. ۱۰ کشور این قاره

جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند. مجموعه کشورهای آفریقایی حدود یک سوم اعضای سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای وابسته را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین بی‌دلیل نیست که امروز آفریقا به صحنه رقابت بازیگران بین‌المللی تبدیل شده است.

راهبرد ثابت آمریکا در قبال آفریقا

جواد ابو کارشناس مسائل آفریقا درباره راهبرد آمریکا در قبال آفریقا معتقد است مهمترین مولفه ایالات متحده در قبال آفریقا، مهار رقبا بزرگی چون چین و روسیه و حمایت از رژیم صهیونیستی است. این سیاست با تغییر

از جمله نیجریه، لیبی، گابن، الجزایر و آنگولا صادرکننده نفت هستند. بیشتر زمین‌های این قاره حاصلخیز است و جنگل‌های انبوه در کنار مزارع سرسبز از ثروت‌های خدادادی آفریقا محسوب می‌شوند. آفریقا دومین قاره بزرگ است. از نظر ژئوپلیتیک قرار گرفتن آفریقا در بین قاره‌های آسیا و اروپا و وجود چهار آبراه استراتژیک دریایی (کانال سوئز، تنگه جبل‌الطارق، باب‌المندب و دماغه امیدنیک) اهمیت ویژه‌ای به این قاره داده است. به لحاظ فرهنگی بیش از ۵۵ درصد از مردم آفریقا مسلمان هستند و تنها قاره‌ای است که بیشتر

روسای جمهور آمریکا، تغییر نمی‌کند هر چند شاید در تاکتیک‌ها شاهد تغییراتی باشیم. نکته‌ای که نباید فراموش شود، نگاه آمریکا به شمال آفریقا در قالب خاورمیانه است. به عبارت دیگر، شمال آفریقا، از نگاه آمریکا، ادامه خاورمیانه محسوب می‌شود. اصلی‌ترین معیار در این نگاه آمریکا نیز، اسلامی و عربی بودن شمال آفریقا است. بر این اساس، نه تنها باید گفت که ۱۰۰ روز ابتدایی دولت بایدن بلکه همه دوره ۴ ساله حاکمیت وی، روال ثابتی را در این خصوص شاهد خواهیم بود.

تلاش بایدن به افزایش حضور نظامی
روزنامه الشرق الاوسط چاپ لندن نوشت: دولت جدید آمریکا به ریاست جو بایدن از دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سابق، مجموعه‌ای از پرونده‌های جنجالی در سراسر جهان را به ارث برده است. برخی از این پرونده‌ها در قاره آفریقاست جایی که «داعش» و «القاعده» به ویژه در کشورهای ساحلی، سومالی و موزامبیک در حال افزایش فعالیت‌های خود هستند. برخی از این پرونده‌ها نیز به تلاش‌های روسیه برای گسترش نفوذ خود به عنوان مثال در لیبی و سودان مربوط می‌شود. اما همه این پرونده‌ها نیز جنجالی نیستند.

ادامه بی‌توجهی‌ها به قاره آفریقا

اگر به ۱۰۰ روز ابتدایی دولت بایدن بنگریم، آفریقا در اولویت آخر سیاست خارجی آمریکا قرار گرفته است و اندک تحرک موجود نیز بر شمال آفریقا متمرکز بوده است. از انجام مانور موسوم به شیر آفریقا (مشترک بین آمریکا و چند کشور شمال آفریقا) در مرزهای آبی اقیانوس اطلس تا برقراری اولین تماس تلفنی وزیر خارجه آمریکا با همتای مغربی خود و تاکید آمریکا بر ادامه سیاست ترامپ در حمایت از حق مغرب بر صحرای غربی. همچنین اهتمام به حل مسالمت آمیز پرونده سد النهضه.

حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی

در آفریقا، بازیگری فرانسه و انگلیس بر آمریکا ترجیح داشته و واشنگتن حمایت خود را از سیاست‌های رژیم صهیونیستی متمرکز کرده است؛ بنابراین در ۱۰۰ روزه ابتدایی آغاز به کار

بایدن تحول خاصی در مناسبات آمریکا و آفریقا مشاهده نمی‌شود. در بعد سیاسی، تمرکز بیشتر بر شمال آفریقا، همسویی با سیاست‌های غربی و حمایت از رژیم صهیونیستی است.

ادعای مبارزه با تروریسم

مبارزه با تروریسم یکی از سیاست‌های آمریکا در آفریقا است. کریستوفر کارنز سرهنگ نیروی هوایی و رئیس امور عمومی آفریقا می‌گوید: سودان به دنبال تقویت نهادهای دولتی و نظامی است و در پی حذف نام سودان از فهرست کشورهای حامی تروریسم هم اکنون راه‌هایی برای شراکت وجود دارد. سفر ما نیز آغازی برای ارتباط و همکاری در آینده است. فرماندهی آمریکا در آفریقا به صورت راهبردی به دنبال کمک به تقویت مؤسسات شرکای آفریقایی و توانایی‌های آنهاست و همزمان از تلاش‌های دیگر شرکای بین‌المللی نیز که تحقق امنیت و ثبات را در این قاره آسان می‌سازد، حمایت می‌کند. پیوستگی با سودان یک آغاز جدید برای شراکت بین آمریکا و سودان است. برای مقابله با فعالیت‌های گروه‌های مرتبط با «داعش» به یک رویکرد منطقه‌ای و بین‌المللی نیاز است.

درگیری با چین و روسیه

به نظر می‌رسد جنگ سرد نوین روسیه و آمریکا در آفریقا در جریان است. کریستوفر کارنز، رئیس امور عمومی آفریقا در وزارت دفاع آمریکا می‌گوید: «فعالیت‌های مزدوران روس در قاره آفریقا برای واشنگتن مایه نگرانی است. حضور مزدوران روس در هر جایی در آفریقا مایه نگرانی است، زیرا آنان دولت‌ها را از بین می‌برند. مهم است که عملیات شرکت‌های امنیتی خصوصی روسی پیشرفت‌های کشورهای آفریقایی در زمینه‌های حکمرانی و دفاع و امنیت را مخدوش نکند. کارهای آنان، تلاش‌های آمریکا و شرکای آفریقایی آن را در کشورهای آفریقایی برای تقویت قرار گرفتن نیروهای مسلح تحت کنترل غیرنظامیان و نیز بازخواست و شفافیت نقش بر آب می‌کند».

در همین حال رئیس‌جمهور جدید آمریکا در یک پیام ویدئویی برای نشست اتحادیه آفریقا

که به دلیل ویروس کرونا به صورت مجازی برگزار می‌شد، وعده داد تا با کشورهای آفریقایی در اولویت‌های اصلی اش در زمینه مبارزه با ویروس کرونا و تغییرات آب و هوایی همکاری کند و دیپلماسی را برای پایان درگیری‌ها در این قاره پیش ببرد. بایدن گفت: «هیچکدام از این موارد آسان نخواهند بود، اما آمریکا اکنون آماده است تا در همبستگی، حمایت و احترام متقابل شریک شما باشد».

فعالیت‌های روسیه در آفریقا برای واشنگتن مایه نگرانی است. برای آمریکا مهم است که عملیات شرکت‌های امنیتی خصوصی روسی، پیشرفت‌های کشورهای آفریقایی در زمینه‌های حکمرانی و دفاع و امنیت را مخدوش نکند. کارهای آنان، تلاش‌های آمریکا و شرکای آفریقایی آن را در کشورهای آفریقایی برای تقویت قرار گرفتن نیروهای مسلح تحت کنترل غیرنظامیان و نیز بازخواست و شفافیت نقش بر آب می‌کند. علاوه بر این در بعد امنیتی مقابله با جریان‌های اسلامی و حاکم نمودن سیستم نظامی و ارتش محور (مصر و سودان) و در بعد اقتصادی، تمرکز بر کشورهای نفتی (لیبی و نیجریه) و مقابله با توسعه چین.

نتیجه‌گیری

سیاست جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا در ۱۰۰ روز نخست کاری وی در قبال آفریقا نشان می‌دهد که راهبرد کلی دولت آمریکا در قبال این قاره همواره یکی بوده و است و تنها تفاوت میان دولت‌ها در تعامل با قاره سیاه در ادبیات و تاکتیک اتخاذی آنهاست. به طور کلی حمایت از دیکتاتورهای نظامی، ادامه سیاست نخ نما شده ادعای مبارزه با تروریسم، رقابت با چین و روسیه از مهمترین راهبردهایی است که بایدن در تعامل با کشورهای آفریقایی در پیش گرفته است. سیاست‌هایی که در واقع در راستای ادامه سیاست استعمارگری این کشور بر کشورهای آفریقایی است.

نویسنده: **مجتبی شاهسونی** - خبرگزاری

صدا و سیما

تحلیل تاریخی وضعیت بین‌المللی نامیبیا براساس نظریه مشورتی ۱۹۵۰ و ۱۹۷۱

مجمع عمومی سازمان ملل متحد طبق قطعنامه صادره ۹ دسامبر ۱۹۴۹ وضعیت آفریقای جنوب غربی (نامیبیا) را جهت اخذ نظر مشورتی به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع داد. دیوان در سال ۱۹۵۰ نظر به این داد که آفریقای جنوب غربی سرزمین تحت سرپرستی بین‌المللی بوده که ۱۷ دسامبر ۱۹۲۰ به اتحادیه آفریقای جنوبی سپرده شده است. دیوان اعلام کرد که اتحادیه آفریقای جنوبی دارای تعهدات بین‌المللی ناشی از نظام سرپرستی، از جمله تعهد به ارائه گزارش‌ها و نظارت و ارجاع شکایات‌های ساکنان آن سرزمین به دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی است که جای خود را به دیوان بین‌المللی دادگستری داده است. دیوان تأکید کرد که مقررات فصل ۱۲ منشور در مورد سرزمین آفریقای جنوب غربی قابل اعمال است و این سرزمین را می‌توان تحت قیمومیت درآورد. آفریقای جنوب غربی از توابع ماورای بحار آلمان بود که آلمان طبق ماده ۱۱۹ معاهده ورسای، از کلیه حقوق و امتیازات خود نسبت به آن به نفع متفقین اصلی و قدرت‌های هم پیمان صرف‌نظر کرد. این سرزمین پس از جنگ جهانی اول تحت سرپرستی کامل اتحادیه آفریقای جنوبی درآمد. بعد از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل متحد، اتحادیه آفریقای جنوبی تلاش کرد تا سازمان ملل متحد ادغام سرزمین مذکور را در اتحادیه به رسمیت بشناسد. سازمان ملل ضمن مخالفت، از اتحادیه خواست تا طبق ماده ۱۲ منشور فقط نظام سرپرستی برابر آفریقای جنوب غربی را اعمال کند. اتحادیه آفریقای جنوبی این وضعیت را به رسمیت شناخت و همین سبب شد تا مجمع عمومی مسئله را به عنوان یک سؤال از دیوان پرسش کند. نظام سرپرستی مندرج در میثاق جامعه ملل در منشور ملل متحد به نظام قیمومت ذیل فصل ۱۲ تغییر نام داد و این منطقه تحت قیمومت اتحادیه آفریقا قرار گرفت. اتحادیه آفریقا درصدد بود تا سرزمین آفریقای جنوب غربی را

در خود ادغام کند؛ این امر طی درخواست نظر مشورتی مجمع عمومی از دیوان بین‌المللی دادگستری با موافقت دیوان مواجه نشد و همچنان این اتحادیه صرفاً وظیفه نظارتی و ارائه گزارش و رسیدگی به شکایات ساکنان مردم آفریقای جنوب غربی را بر عهده گرفت. بنابراین براساس نظر مشورتی دیوان، سرپرستی آفریقای جنوب غربی به اتحادیه آفریقای جنوبی سپرده شده و تحت سرپرستی بین‌المللی قرار گرفت. اتحادیه آفریقای جنوبی دارای تعهدات بین‌المللی ناشی از نظام سرپرستی بود. از جمله اینکه باید گزارش‌های آفریقای جنوب غربی را به دیوان ارجاع می‌داد و وظیفه نظارتی و اعلام شکایات ساکنان را به دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری داشت. به دلیل نقض تعهدات آفریقای جنوبی در سرزمین آفریقای جنوب غربی، شورای امنیت سازمان ملل از دیوان در سال ۱۹۷۱ درخواست نظر مشورتی کرد. دیوان صرف نظر از قطعنامه ۲۷۶ مصوب ۱۹۷۰، در ۲۱ ژوئن ۱۹۷۱ نظر مشورتی خود را به این شرح اعلام کرد: «حضور مستمر آفریقای جنوبی در نامیبیا غیرقانونی است و آفریقای جنوبی متعهد است تا سریعاً از اداره نامیبیا دست کشیده و به اشغال آن سرزمین خاتمه دهد.» طبق این نظر مشورتی، کشورهای عضو سازمان ملل متعهد هستند تا غیرقانونی بودن حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا را مورد شناسایی قرار داده و از هر اقدامی در جهت مشروعیت یا اعطای کمک به آن اجتناب کنند و کشورهای غیر عضو سازمان ملل نیز باید نسبت به این تصمیم در مورد نامیبیا مساعدت کنند. آفریقای جنوبی معتقد بود که این مسئله جنبه ترافیکی دارد و ناشی از اختلاف آفریقای جنوبی با سایر دولت‌ها است. دیوان بیان می‌کند که رسیدگی به یک مسئله ترافیکی مانع از صدور نظریه مشورتی نیست. منشأ نظریه مشورتی دیوان در سال ۱۹۷۱ را می‌توان در قطعنامه ۲۱۴۵ مجمع عمومی

سازمان ملل در سال ۱۹۶۶ یافت که اعلام کرد، سرپرستی در این سرزمین خاتمه یافته و آفریقای جنوبی دیگر حقی در اداره آن ندارد. شورای امنیت نیز با تصویب قطعنامه ۲۷۶ در سال ۱۹۷۰ حضور مستمر آفریقای جنوبی در نامیبیا را غیرقانونی اعلام کرد و آفریقای جنوبی متعهد بود تا به این حضور پایان دهد. در غیر این صورت، آفریقای جنوبی با این حضور سبب مسئولیت بین‌المللی برای خود می‌شد که ناشی از نقض مستمر تعهدی بین المللی است؛ چون طبق ماده ۴۱ طرح مسئولیت دولت‌ها مصوب سال ۲۰۰۱، دولت‌ها باید برای پایان دادن به هرگونه نقض جدی در مفهوم ماده ۴۰ درباره نقض شدید تعهدات ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل از طریق تدابیر قانونی با یکدیگر همکاری کنند و نباید وضعیت غیرقانونی مذکور را قانونی محسوب کرده و کمکی در حفظ وضعیت مذکور کنند. شناسایی وضعیت مذکور نیز به مفهوم مشارکت در اقدامی غیرقانونی است که از سوی دولت مذکور ارتکاب یافته است. بند ۷ ماده ۲ منشور درباره عدم مداخله سازمان ملل در امور داخلی کشورهاست. بنابراین حقوق بین الملل به امور داخلی کشورها کاری ندارد؛ مگر در حقوق بین‌الملل تأثیرگذار باشد. در اینجا نیز دیوان بیان کرد که سایر کشورها نباید وضعیتی را که آفریقای جنوبی بر سرزمین آفریقای جنوب غربی ایجاد کرده است، مورد شناسایی قرار دهند و این عدم شناسایی در قالب یک اقدام دسته جمعی است که می‌تواند موجب عدم کسب عنصر معنوی و مقبولیت عامه توسط وضعیت مذکور شود.

نویسندگان: **دکتر میثم نوروزی** (دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبایی) و **مرسده مظلومی** (دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران)